



746F

746

F

نام
نام خانوادگی
محل امضاء



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.
امام خمینی (ره)

آزمون دانش‌پذیری دوره‌های فراگیر «کارشناسی ارشد» دانشگاه پیام نور

الهیات و معارف اسلامی - فلسفه و کلام اسلامی (کد ۱۴۷)

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	منطق قدیم	۱۵	۱	۱۵
۲	فلسفه غرب (۱)	۱۵	۱۶	۳۰
۳	فلسفه اشراق (۱)	۱۵	۳۱	۴۵
۴	فلسفه ملاصدرا (۱)	۱۵	۴۶	۶۰
۵	زبان انگلیسی تخصصی	۳۰	۶۱	۹۰

آذر ماه سال ۱۳۹۲

نمره منفی ندارد.
استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

- ۱- تناقض الشخصیات و
 (۱) تقابلهای متضاده (۲) تقابلهای لاتضاد فیها (۳) تضادهای لاتقابل فیها (۴) تضادهای لاتداخل فیها
- ۲- برای رفع قضیه‌ی مرکبه، اثبات نقیض قضایای تحلیل شده‌ی آن، ضرورت دارد و نقیض از وجهات، از نوع همان قضیه
 (۱) یکی از - برخی - است (۲) یکی از - هیچ یک - نیست
 (۳) همه‌ی - برخی - است (۴) همه‌ی - هیچ یک - نیست
- ۳- بقای جهت در عکس، شرط و سالبه‌ی کلیه‌ی، اگر ممکنه باشد
 (۱) است - عکس ندارد. (۲) نیست - عکس ندارد.
 (۳) است - به سالبه‌ی کلیه‌ی ممکنه منعکس می‌شود. (۴) نیست - به سالبه‌ی کلیه‌ی مطلقه منعکس می‌شود.
- ۴- منظور از اجزای قیاس آن است.
 (۱) حدود (۲) مقدمات (۳) حدود و مقدمات (۴) حدود، مقدمات و نتیجه‌ی
- ۵- در شکل چهارم مرکب از مقدمات بسیطه‌ی موجهه، هرگاه کبرا کلی و صغری جزئی باشد، قیاس است و در شکل اول با کبرای وصفیه، نتیجه است
 (۱) عقیم - فعلیه (۲) عقیم - تابع صغرا (۳) عقیم - ضرورتاً وصفیه (۴) منتج - ضرورتاً غیر وصفی
- ۶- در شکل دوم هرگاه صغرا دائمه‌ی موجهه‌ی جزئی و کبرا، مطلقه‌ی سالبه‌ی کلیه باشد،
 (۱) نتیجه، مطلقه‌ی سالبه‌ی جزئی خواهد بود. (۲) نتیجه، دائمه‌ی سالبه‌ی جزئی خواهد بود.
 (۳) قید جهت در نتیجه ساقط خواهد شد. (۴) نتیجه‌گیری معتبر نخواهد بود.
- ۷- نتایج قیاس‌های: «هر جسمی، مادام که جسم است متحرک است»؛ «هر متحرکی متغیر است» و «کل ب ج مادام ب: کل ب د بالاطلاق»، به ترتیب عبارتند از:
 (۱) هر جسمی مادام که جسم است، متغیر است - کل ج د بالاطلاق.
 (۲) هر جسمی متغیر است، بالاطلاق - بعض ج د مادام ج.
 (۳) هر جسمی متغیر است، مادام که جسم است - بعض ج د.
 (۴) هر جسمی متغیر است - بعض ج د بالاطلاق.
- ۸- نتایج ضروب دوم و سوم شکل چهارم، است و استفاده از روش قلب در اثبات نتیجه‌ی ضرب چهارم این شکل، جایز
 (۱) جزئی - نیست (۲) به ترتیب جزئی و کلی - است
 (۳) به ترتیب جزئی و کلی - نیست (۴) به ترتیب کلی و جزئی - است
- ۹- قیاس مؤلف از دو متصله‌ی لزومیه منتج باشد و در منفصلات، ایجاب دو مقدمه شرط است.
 (۱) می‌تواند - ینی از (۲) می‌تواند - هر (۳) نمی‌تواند - یکی از (۴) ضرورتاً - هر
- ۱۰- در قیاس استثنایی مؤلف از متصله، کلیت و در صورت سالب بودن،
 (۱) اگر لزومیه باشد، شرط نیست - به شرط لزوم، به نظر علامه (حلی) منتج است.
 (۲) اگر لزومیه باشد، شرط نیست - قطعاً منتج نیست.
 (۳) شرط است - به شرط لزوم، به نظر خواجه منتج است.
 (۴) شرط است - قطعاً منتج نیست.
- ۱۱- هرگاه قیاسی معتبر باشد، لازم نتیجه‌ی آن صادق است و با کذب مقدمات، نتیجه ضرورتاً کاذب
 (۱) بالعرض - است (۲) بالذات - است (۳) بالذات - نیست (۴) بالعرض - نیست
- ۱۲- قیاس همواره بعد از قیاس مستقیم می‌آید و قیاسی که در ابطال اقوی‌المقدمین قیاس دیگر اقامه می‌شود، نام دارد.
 (۱) عکس - مقاومه (۲) عکس - معارضه (۳) خلف - مقاومه (۴) خلف - معارضه
- ۱۳- به اعتقاد صاحب جوهر، تصدیق عبارتست از:
 (۱) تصور همراه با حکم. (۲) تصور طرفین نسبت، فقط.
 (۳) تصور طرفین نسبت، همراه با حکم. (۴) حکم بر ماهیت موجود در ذهن، به اثبات فقط.
- ۱۴- مبداء اقتناص تصورات کلی، است و علت در برهان لمّ، ضرورتاً علت اکبر و کلی در باب برهان، کلی در قضایای محصوره است.
 (۱) حس - است - اعم از (۲) حس - نیست - اخص از (۳) عقل - است - مساوی (۴) عقل - نیست - اخص از
- ۱۵- جنس و فصل، اجزای هستند و تحلیل بالعکس، همان تحلیل است.
 (۱) محدود - ذهنی (۲) محدود - وجودی (۳) حد - ذهنی (۴) حد - وجودی

- ۱۶- اهمیت فلسفه‌ی کانت، در درجه‌ی اول، مدیون نظریه‌ی او است که در کتاب نقد به هدف
با شکاکیت دیوید هیوم به رشته‌ی تحریر درآمده است.
- (۱) معرفت - خرد عملی - هم‌آوایی
(۲) معرفت - عقل محض - رویارویی
(۳) نقادی - عقل محض - رویارویی
(۴) نقادی - خرد عملی - هم‌آوایی
- ۱۷- به اعتقاد «کانت»، حکمی که در آن، محمول در مفهوم موضوع، مندرج باشد و برعکس، به ترتیب موسوم به حکم
و حکم است که مثال آن به ترتیب و می‌باشد.
- (۱) تألیفی - تحلیلی - بیشه‌ها سرسبزند - همه‌ی مجردها بی‌همسرند.
(۲) تحلیلی - تألیفی - بیشه‌ها سرسبزند - همه‌ی مجردها بی‌همسرند.
(۳) تألیفی - تحلیلی - همه‌ی مجردها بی‌همسرند - بیشه‌ها سرسبزند.
(۴) تحلیلی - تألیفی - همه‌ی مجردها بی‌همسرند - بیشه‌ها سرسبزند.
- ۱۸- کدام گزاره، مبین اعتقاد «کانت» درباره‌ی زمان و مکان است؟
(۱) زمان و مکان، دو مفهوم غیر تجربی و عقلی و غیر ضروری‌اند.
(۲) زمان و مکان، دو مفهوم تجربی و غیر عقلی و ضروری و واجب‌اند.
(۳) زمان و مکان، دو مفهوم غیر تجربی، غیر عقلی و مکان، یک مفهوم ضروری و واجب است.
(۴) زمان و مکان، دو مفهوم غیر تجربی، غیر عقلی و زمان یک مفهوم ضروری و واجب است.
- ۱۹- مفاهیمی که از طریق انزاع از تجربه حاصل شده و برعکس، به ترتیب موسوم به مفاهیم و مفاهیم اند که
مثال آن به ترتیب و می‌باشد.
- (۱) پسینی - پیشینی - انسان - به علت این که
(۲) پیشینی - پسینی - انسان - به علت این که
(۳) پسینی - پیشینی - به علت این که - انسان
(۴) پیشینی - پسینی - به علت این که - انسان
- ۲۰- به اعتقاد کانت، مقولات ذیل «کمیت و کیفیت» و مقولات ذیل «نسبت» و «جهت» به ترتیب موسوم به مقولات و
مقولات اند و احکام قرار گرفته ذیل «جهت» همان احکام می‌باشند.
- (۱) دینامیکی - ریاضی - حمله، شرطی و انفصالی
(۲) ریاضی - دینامیکی - حمله، شرطی و انفصالی
(۳) ریاضی - دینامیکی - ظنی، وقوعی و قطعی
(۴) دینامیکی - ریاضی - ظنی، وقوعی و قطعی
- ۲۱- کانت، مقولات ریاضی و مقولات دینامیکی را به ترتیب در بخش‌های موسوم به و به اثبات رساند.
(۱) اصول موضوعه‌ی فکر تجربی و اصول متعارفه‌ی شهود - پیش‌یابی‌های ادراک حسی و تشابهات تجربه
(۲) اصول متعارفه شهود و پیش‌یابی‌های ادراک حسی - تشابهات تجربه و اصول موضوعه‌ی فکر تجربی
(۳) پیش‌یابی‌های ادراک حسی و تشابهات تجربی - اصول موضوعه‌ی فکر تجربی و اصول متعارفه‌ی شهود
(۴) تشابهات تجربه و اصول موضوعه‌ی فکر تجربی - اصول متعارفه‌ی شهود و پیش‌یابی‌های ادراک حسی
- ۲۲- به اعتقاد کانت، اصول موضوعه‌ی تفکر تجربی، و در اندیشه‌ی وی، فرق میان امکان و وقوع،
(۱) ناظر به شرایط تجربه نیستند - به انطباق حسی باز می‌گردد.
(۲) اصولی هستند که از راه تجربه به دست آمده‌اند - به انطباق حسی باز می‌گردد.
(۳) ناظر به شرایط تجربه نیستند - به کارآیی اندام‌های حسی ما بستگی دارد.
(۴) اصولی هستند که از راه تجربه به دست آمده‌اند - به کارآیی اندام‌های حسی ما بستگی دارد.
- ۲۳- اگر بگوییم: «مقولات، شرط تجربه‌اند» سخن را مطرح کرده‌ایم که مخالف اندیشه‌ی است و افکار
مابعدالطبیعه از سوی کانت، هم‌نوایی وی را با پوزیتیویست‌های منطقی که گزاره‌های مابعدالطبیعه را اعلام می‌کنند،
دریافت می‌کنیم.
- (۱) هیوم - کانت - گزاره‌های فاقد ارزش
(۲) کانت - هیوم - گزاره‌های فاقد ارزش
(۳) هیوم - کانت - شبه گزاره‌ی نه صادق و نه کاذب
(۴) کانت - هیوم - شبه گزاره‌ی نه صادق و نه کاذب
- ۲۴- به اعتقاد کانت، تصورات عقلی، ما را به جانب متافیزیکی سوق می‌دهند که کاربرد آن تصورات، موجب
تحقق می‌شود.
- (۱) یقینات - نظام‌بخش - صواب
(۲) توهمات - قوام‌بخش - صواب
(۳) توهمات - قوام‌بخش - خطا
(۴) یقینات - نظام‌بخش - خطا
- ۲۵- به اعتقاد کانت، آن جا که خطا، برخاسته از طبیعت خود عقل یا برخاسته از صورت و ماده‌ی قیاس باشد، به ترتیب مغالطه‌ی
..... و مغالطه‌ی شکل می‌گیرد. اجتناب عقل از مغالطه‌ی ناممکن است.
- (۱) استعلایی - منطقی - استعلایی
(۲) منطقی - استعلایی - استعلایی
(۳) استعلایی - منطقی - منطقی
(۴) منطقی - استعلایی - منطقی

- ۲۶- زیر سؤال بردن اعتبار حکمت و فلسفه‌ی اسکولاستیک (مدرسی) توسط صورت گرفت و تأثیرگذاری دکارت در انتقال اندیشه‌ی فلسفی از بود.
- (۱) اسلاف دکارت - قرون وسطی به عصر جدید
(۲) رنه دکارت - عصر نوزایی به عصر جدید
(۳) اسلاف دکارت - عصر نوزایی به عصر جدید
(۴) رنه دکارت - قرون وسطی به عصر جدید
- ۲۷- کدام گزاره، معرف حکمت «مونتنی» می‌باشد؟
- (۱) «مونتنی» با حکمت ایجابی و تحصلی خود، راه تازه‌ای در تفکر سازنده‌ی فلسفی، گشود.
(۲) کتاب «خاصرات» حاوی حکمت مونتنی که یک حکمت ایجابی و تحصلی و پیراسته از شعار «نمی‌دانم» بود.
(۳) حکمت مونتنی، یک سره یک حکمت سلبی و مزین به شعار «نمی‌دانم» و شکاکیت آفرین بود.
(۴) لغو شکاکیت، ره‌آورد حکمت مونتنی که زمینه‌ساز نگاه مثبت به مسائل فلسفه شد، بازتاب حکمت مونتنی بود.
- ۲۸- اگر بگوییم: «معرفت ضروری از احتمال صیرف بهتر است»، «معرفت حقیقی، ضروری است، تنها معرفت ریاضی، ضروری است پس هر معرفتی باید ریاضی باشد» به ترتیب اندیشه‌ی و را مطرح کرده‌ایم و اگر بخواهیم نظر دکارت را در خصوص مابعدالطبیعه ترسیم کنیم، عبارت مبین آن است.
- (۱) کلاویوس - دکارت - وجود خداوند، دست کم به اندازه‌ی براهین ریاضی، قطعی و یقینی است.
(۲) دکارت - کلاویوس - وجود خداوند، دست کم به اندازه‌ی براهین ریاضی، قطعی و یقینی است.
(۳) کلاویوس - دکارت - من با جرأت تمام به خود می‌بالم که برای اثبات وجود خداوند، براهنی کاملاً قانع‌کننده به دست آورده‌ام.
(۴) دکارت - کلاویوس - من با جرأت تمام به خود می‌بالم که برای اثبات وجود خداوند، براهنی کاملاً قانع‌کننده به دست آورده‌ام.
- ۲۹- حضور حکمت و تدبیر الهی در کنار موجودات مفهوم می‌گردد که هر پدیده‌ای در جایگاه خود با همکاری دیگر پدیده‌ها، ارتباط را نشان می‌دهد.
- (۱) وجود و هستی - عرضی
(۲) نظام‌مندی و غایت‌مندی - عرضی
(۳) وجود و هستی - طولی
(۴) نظام‌مندی و غایت‌مندی - طولی
- ۳۰- کاربرد ترکیب «هماهنگی پیش بنیاد» و «اصالت موازات متافیزیکی» به ترتیب از سوی و در اثبات ارائه شده است.
- (۱) اسپینوزا - لایب نیتس - ارتباط تنگاتنگ و غیرقابل انکار نفس و بدن
(۲) لایب نیتس - اسپینوزا - ارتباط تنگاتنگ و غیرقابل انکار نفس و بدن
(۳) اسپینوزا - لایب نیتس - وجود خداوند و حکمت بالغه‌ی او
(۴) لایب نیتس - اسپینوزا - وجود خداوند و حکمت بالغه‌ی او
- فلسفه اشراق (۱)
- ۳۱- منظور شیخ اشراق از عبارت «هو لا تتوقف کمال له علی غیره» در تعریف غنی، است.
- (۱) بیان اضافات محض
(۲) اخراج اضافات محض
(۳) بیان صفات اضافی و اضافات محض
(۴) اخراج صفات اضافی و اضافات محض
- ۳۲- تقابل نور و ظلمت نزد شیخ اشراق، مشائیان و حکمای اوایل به ترتیب عبارتست از:
- (۱) عدم و ملکه - تناقض - تضاد
(۲) تناقض - تضاد - تناقض
(۳) تناقض - عدم و ملکه - تناقض
(۴) تناقض - عدم و ملکه - عدم و ملکه
- ۳۳- هیئات، لازمه‌ی برازخ هستند، اما در اصل وجود، بی‌نیاز از آن‌ها هستند.
- (۱) هستند، اما در اصل وجود، بی‌نیاز از آن‌ها هستند.
(۲) هستند و در عین حال در تحقق نیازمند آن‌ها هستند.
(۳) نیستند و در وجود خود بی‌نیاز از آن‌ها هستند.
(۴) نیستند و در وجود خود نیازمند آن‌ها هستند.
- ۳۴- مُدرک ذات، نور مجرد باشد و
- (۱) باید - اینیت مقدم بر ادراک نیست.
(۲) باید - اینیت مقدم بر ادراک است.
(۳) ممکن است - اینیت مقدم بر ادراک نیست.
(۴) ممکن است - اینیت مقدم بر ادراک است.
- ۳۵- کدام مورد با دیدگاه‌های شیخ اشراق در مورد ادراک سازگارتر است؟
- (۱) شعور در مفارقات، ناشی از عدم غیبت است.
(۲) می‌توان «عدم غیبت» را کنایه از شعور دانست.
(۳) حقیقت ادراک، تجرد از برازخ و هیئات ظلمانی است.
(۴) حقیقت ادراک، ظهور شیء نزد خود و شرط آن تجرد از ماده است.
- ۳۶- نزد شیخ اشراق حیات، است و اختلاف انوار عقلی ناشی از عوارض باشد.
- (۱) ظهور شیء برای خود - می‌تواند
(۲) ظهور شیء برای خود - نمی‌تواند
(۳) مبداء قوای حیوانی - نمی‌تواند
(۴) هیئتی از هیئات موجود زنده - می‌تواند

- ۳۷- دلیل شیخ اشراق برای اثبات وحدانیت واجب، اوست و منظور وی از نور محیط، است.
 (۱) نورانیت - عقل فعال مشایی
 (۲) وجوب وجود - عقل اول مشائی
 (۳) غنای ذاتی - نور الانوار
 (۴) نورانیت - نور الانوار
- ۳۸- عارضی بودن انوار فلکی، ناشی از است و آثار انوار مدبره، است.
 (۱) تعلق به جسم - متناهی
 (۲) تعلق به جسم - غیرمتناهی
 (۳) نقص در حقیقت نوریت - متناهی
 (۴) نقص در حقیقت نوریت - غیرمتناهی
- ۳۹- مطابق نظرات شیخ اشراق، صدور بسیط از مرکب است و بی‌نیازی نفس از واسطه در تعلق به بدن خاص خود، ناشی از آن است.
 (۱) محال - کمال
 (۲) جایز - کمال
 (۳) محال - شدت نقص
 (۴) جایز - شدت نقص
- ۴۰- منظور قائلین به «آن فی عالم العقل انساناً کلیاً» از کلی، محمول آنان منکر محمولات ذهنی
 (۱) است و - نیستند
 (۲) است، ولی - هستند
 (۳) نیست و - هستند
 (۴) نیست و - نیستند
- ۴۱- با توجه به نظرات شیخ اشراق، کدام عبارت در مورد علم خداوند دقیق‌تر است؟
 (۱) علم حق به ذات و به اشیاء، اضافه‌ی ظهوری است.
 (۲) وجود اشیاء، ناشی از علم خداوند به آن‌هاست.
 (۳) علم حق به ذات، همان عدم غیبت از ذات است.
 (۴) علم به موجودات، لازمه‌ی علم به ذات است.
- ۴۲- منظور شیخ اشراق از «نور سانح»، است.
 (۱) اشراق نور عالی بر نور سافل
 (۲) نور عرضی قائم به نور مجرد
 (۳) نور عرضی اعم از جسمانی و مجرد
 (۴) نور عرضی قائم به جسم فلکی
- ۴۳- درباره‌ی انوار قاهره‌ی صوریه، نمی‌توان گفت:
 (۱) همان ارباب اصنام هستند.
 (۲) هیچ نوع تعلقی به اجسام ندارند.
 (۳) نوعی تصرف در انواع تحت خود دارند.
 (۴) تفاوتی با «طلسمات بسایط» ندارند.
- ۴۴- در مورد لذت نمی‌توان گفت:
 (۱) چیزی جز ادراک لذیذ نیست.
 (۲) اعتقاد به خیریت مُلذ، شرط آن است.
 (۳) ضرورتاً با نیل به نوعی کمال همراه است.
 (۴) بدون توجه به حصول آن، محقق نمی‌شود.
- ۴۵- ماهیت نوری از حیث نوریت، وجود ندارد و «بهمن» در زبان فهلویین، همان مشایی است.
 (۱) ذهنی - عقل اول
 (۲) عینی - عقل اول
 (۳) ذهنی - عقل دهم
 (۴) عینی - عقل دهم

فلسفه ملاصدرا (۱)

- ۴۶- قید عَرَضی، است و وجود در تحصیلش، است.
 (۱) مشخص - نیازمند آن
 (۲) مشخص - بی‌نیاز از هر قید
 (۳) مصنف - بی‌نیاز از هر قید
 (۴) مصنف - نیازمند قید مشخص
- ۴۷- وجود شی در زمان، مصداق است.
 (۱) یک وجود فی‌نفسه‌ی لغیره
 (۲) یک و فقط یک وجود فی‌غیره
 (۳) یک و فقط یک وجود لِنفسه‌ی فی‌نفسه
 (۴) یک وجود لِنفسه‌ی فی‌نفسه و یک وجود فی‌غیره
- ۴۸- کدام عبارت با آرای ملاصدرا سازگار نیست؟
 (۱) مرتبه‌ی هر موجود، مقوم وجود اوست.
 (۲) امتیاز انواع مادی، به جزء ماهیت باز می‌گردد.
 (۳) در موجود مادی، عوارض مادی لازمه‌ی وجود است.
 (۴) نسبت ماهیت به وجود، نسبت حاکی به محکی عنه است.
- ۴۹- وجود، در حکمت الهی از است و امور عامه، است.
 (۱) مطالب - عوارض عامه‌ی وجود
 (۲) مبادی - عوارض خاصه‌ی وجود
 (۳) مبادی - برای وجود، به منزله‌ی عوارض خاصه
 (۴) مطالب - برای وجود، به منزله‌ی عوارض خاصه
- ۵۰- با توجه به نظرات ملاصدرا، نمی‌توان گفت سازنده‌ی میز،
 (۱) فاعل صورت ذهنی آن است نه خود آن.
 (۲) علت فاعلی میز و صورت ذهنی آن است.
 (۳) نسبت به میز، بیشتر به قابل می‌ماند تا به فاعل.
 (۴) نسبت به صورت میز، مانند نفس نسبت به صور ادراکی است.
- ۵۱- کلی، همان طبیعت لایشرط و حمل در قضایای طبیعی، حمل نیست.
 (۱) نیست - ذاتی
 (۲) نیست - وجودی
 (۳) است - ذاتی
 (۴) است - وجودی

- ۵۲- با توجه به نظرات ملاصدرا، کدام عبارت درست نیست؟
 (۱) مدعای وجود ذهنی بیش از این نیست که هنگام شناخت، ماهیات چیزها در ذهن حاضرند.
 (۲) قابلیت اشتراک بر افراد متعدد، از ضعف قوه‌ی ادراک ناشی می‌شود و به مُدرک باز نمی‌گردد.
 (۳) حد انسان، تحت جنس جوهر و حد سفیدی، تحت جنس کیف قرار دارد.
 (۴) مبنای ادراک محسوسات با مبنای شناخت معقولات تفاوت دارد.
- ۵۳- نزد ملاصدرا، کدام بیان در توجیه وجود ذهنی و رفع اشکالات آن درست نیست؟
 (۱) ماهیت تابع وجود است و اطلاق کیف بر صور علمی، در حقیقت از باب مجاز است.
 (۲) نفس، ماده‌ی عقلی است و اتحاد با ماهیت معلوم خاص، آن را متعین می‌کند.
 (۳) کیف، جنس بعید صورت ذهنی انسان، علم جنس قریب آن و جوهر، عرض عام آن است.
 (۴) انضمام حقیقت معلوم به مطلق علم، ذاتی مطابق با ذات معلوم خارجی محقق می‌سازد.
- ۵۴- پاسخ ملاصدرا به این شبهه که اثبات مبادی موجودات در حکمت الهی امکان‌پذیر نیست، کدام است؟
 (۱) مبدأ وجود، مبدأ موجود بما هو موجود نیست.
 (۲) مبادی موجودات نیز از لواحق وجود هستند.
 (۳) منظور از وجود به عنوان موضوع حکمت الهی، وجود مطلق محمولی است.
 (۴) موارد ۱ و ۲
- ۵۵- منظور از این، است و نسبت اجزای جسم به خودش، تحت مقوله‌ی نیست.
 (۱) مکان جسم - اضافه
 (۲) مکان جسم - وضع
 (۳) نسبت جسم به مکان - اضافه
 (۴) نسبت جسم به مکان - وضع
- ۵۶- اخصّ از شیء ممکن عرض ذاتی آن باشد و فصل نسبت به جنس، است.
 (۱) است - عرض اولی (۲) است - ذاتی (۳) نیست - عرض اولی (۴) نیست - عرض غریب
- ۵۷- ماده، نسبت به صورت است و صورت نسبت به ماده، شریک علت فاعلی
 (۱) عنصر - است (۲) موضوع - است (۳) عنصر - نیست (۴) علت مادی - نیست
- ۵۸- به اعتقاد ملاصدرا سبب نهایی مرگ، و فاعل افعال قسری،
 (۱) غلبه‌ی حرارت بر رطوبات بدن - نیز طبیعت است (۲) غلبه‌ی حرارت بر رطوبات بدن - طبیعت نیست
 (۳) محدودیت و اتمام قوای جسمانی - طبیعت نیست (۴) حرکت کمالی نفس - نیز طبیعت است
- ۵۹- نزد ملاصدرا موضوع علوم طبیعی، است.
 (۱) موجود متحرک (۲) موجود طبیعی (۳) حرکت بما هی حرکت (۴) حرکت بما هی ثابت فی العقل
- ۶۰- منظور از وجود منبسط، است.
 (۱) صادر اول از علت اول (۲) وجود انتزاعی اثباتی (۳) وجود شامل همه‌ی طبایع و افراد (۴) وجود مبرای از هرگونه قید و تعلق

زبان انگلیسی تخصصی

PART A. Vocabulary

Directions: Read the following questions and choose the best choice (1), (2), (3) or (4) that best completes the sentence. Then mark it on your answer sheet.

61. Form and matter are found in.....substances, as for example soul and body in man.

1. composite 2. fixed 3. opposite 4. essential

62. This merit belongs to Mr. Wittgenstein book and makes it one which no serious philosopher can.....to neglect.

1. presuppose 2. refute 3. afford 4. construct

63. In the part of his theory which deals with Symbolism he is concerned with the conditions which would have to be.....by a logically perfect language.

1. dealt 2. fulfilled 3. occurred 4. subsisted

76.1. actualization	2. actualizing	3. actualized	4. actualizes
77.1. this	2. the	3. that	4. what a
78.1. it not	2. not	3. it does not	4. does not
79.1. and also	2. as	3. and	4. also
80. 1. making	2. that make	3. makes it	4. made

PART C. Reading Comprehension

Directions: Read the following three passages and choose the best choice (1), (2), (3) or (4). Then mark it on your answer sheet.

He compares linguistic expression to projection in geometry. A geometrical figure may be projected in many ways; each of these ways agrees with a different language, but the projective properties of the original figure remain unchanged whichever of these ways may be adopted. These projective properties go along with that which in his theory the proposition and the fact must have in common, if the proposition is to assert the fact. In certain elementary ways this is, of course, obvious. It is impossible, for example, to make a statement about two men without employing two names, and if you are going to assert a relationship between the two men it will be necessary that the sentence in which you make the assertion shall establish a relation between the two names. If we say 'Plato loves Socrates', the word 'love' which is between the word 'Plato' and the word 'Socrates' establishes a certain relation between the two words, and it is owing to this fact that our sentence is able to assert a relation between the person's name and by the words 'Plato' and 'Socrates'. We must not say, the complex sign ' $a R b$ ' says 'a stands in a certain relation R to b '; but we must say, that 'a' stands in a certain relation to 'b' says that $a R b$.

81. The passage states that.....

1. the proposition to assert facts is a common problem in today's philosophy
2. the complex sign ' $a R b$ ' is equal to 'a stands in a certain relation R to b '
3. original figures remain unchanged if they are adopted properly
4. we must use two names to make a statement about two men

82. It is mentioned in the passage that.....

1. elementary statements can provide obvious linguistic examples
2. linguistic expression in geometry is compared to projection
3. 'love' establishes a certain relation between 'Plato' and 'Socrates' in 'Plato loves Socrates'
4. assertive sentences often establish relations between two names

83. According to the passage,.....

1. geometrical projection can be related to linguistic expression
2. 'Socrates' established relation between words in ancient Greece
3. figures may be projected in at least three ways in geometry
4. we cannot always assert relationships between two names

84. The passage points to the fact that.....

1. the theory the propositions is based on the projective properties of language
2. the projective properties of a geometric figure are independent of the way the figure is projected
3. there are three ways in which a language can also find projective properties
4. languages project themselves in one linguistic pattern in many ways

85. The word 'owing to' in the passage (underlined) is closest to.....

- | | |
|---------------------|---------------------|
| 1. 'compared to' | 2. 'related to' |
| 3. 'as a result of' | 4. 'concerned with' |

From this it is clear why genus, species, and differences are related proportionately to matter, form, and various in nature, though they are not identical with them. A genus is not matter, but it is taken from matter as designating the whole; and a difference is not form, but it is taken from form as designating the whole. That is why we say that man is a rational animal, and not that he is composed of animal and rational, as we say that he is composed of soul and body. We say that man is a being composed of soul and body as from two things there is constituted a third entity which is neither one of them: man is indeed neither soul nor body. If in a sense we may say that man is composed of animal and rational, it will not be as a third reality is made up of two other realities, but as a third concept is formed from two concepts. The concept 'animal' signifies the nature of a being without the determination of its special form, containing only what is material in it with respect to its ultimate perfection. The concept of the difference 'rational', on the other hand, contains the determination of the special form. From these two concepts is formed the concept of the species or definition. This is why, just as a reality composed of several things cannot be the subject of attribution of its constituent elements, neither can a concept be the subject of attribution of the concepts from which it is formed: we do not say that the definition is the genus or difference.

86. The passage mentions that.....

1. a being composed of two things develops a third entity which is both of them
2. genus can even be matter, and may be taken from matter as designating the whole
3. as concepts are formed two other concepts, realities are made up of two other realities
4. a concept cannot be the subject of attribution of the concepts from which it is formed

87. It is stated in the passage that.....

1. the concept 'animal' contains only a material sense in it
2. genus and species are related proportionately to differences in matter
3. a rational animal is composed of animal as well as body
4. the subject of attribution of the concepts is usually another concept

88. According to the passage,.....

1. determination of special forms leads difference in the concept of 'rational'
2. difference is not form, and cannot be taken from form as the whole
3. neither soul nor body is composed of animal or even rational
4. genus, species, and differences are not the same as matter and form

89. The passage points to the fact that.....

1. matter and form are various in nature and are sometimes even identical with them
2. saying man is a rational animal differs from saying that he is composed of animal and rational
3. a being without the determination of its special form contains only material significance
4. what is material with respect to its ultimate perfection signifies the real nature of 'animal'

90. The word 'constitute' in the passage (underlined) best means.....

- | | |
|--------------|------------|
| 1. 'improve' | 2. 'bring' |
| 3. 'result' | 4. 'form' |

اخبار پیام نور

www.PnuNews.com